

مفاهیم واژه سرطان در منابع پزشکی نیاکان

دکتر حسین حاتمی^۱، دکتر محمد اسماعیل اکبری^۲، دکتر محمدعلی محقق^۳

دکتر مریم حاتمی^۴

چکیده

مقدمه:

هرچند طب رایج از تکامل تدریجی پزشکی نیاکان، حاصل گردیده و بسیاری از حقایق مُسَلَّم آن با آزمون فرضیات قدیمی و بهره‌گیری از تکنولوژی جدید به پاسخ رسیده و راه‌آورد‌های آن هم‌اکنون در خدمت حفظ و ارتقاء سلامتی انسان‌های سالم و بازگرداندن سلامتی به کالبد بیماران، می‌باشد ولی این شجره طیبه با جامع‌نگری خود، هنوز پیام‌ها و فرضیاتی برای پیشگیری و درمان بیماری‌های علاج‌پذیر و لاعلاج دارد که لازم است در آغاز تجدید حیات طب سنتی و بازگشایی درهای دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور به روی آن موجبات رشد و شکوفایی آن را فراهم نموده با اقتباس از تفکر حرکت‌آفرین توحیدی دانشمندان افتخار آفرینی همچون رازی، ابن سینا، جرجانی و . . . و آزمون فرضیات مندرج در منابع پزشکی نیاکان، قسمتی از نارسایی‌های طب رایج را ترمیم کرده و قابلیت پاسخگویی آن را ارتقاء دهیم.

اهداف و روش مطالعه

در این مطالعه به منظور دستیابی سریع و دقیق به موارد استعمال و مفاهیم واژه سرطان در متون اصلی پزشکی نیاکان، به رایانه‌ای کردن منابع اصلی، نظیر الحاوی، ابنیه، هدایت، قانون در طب، ذخیره خوارزمشاهی، اغراض الطبیه و برخی از منابع دیگر پزشکی نیاکان و تشکیل بانک‌های اطلاعاتی الکترونیک اقدام کرده و سپس طی یک مطالعه کتابخانه‌ای نوین به جستجو پرداخته‌ایم.

یافته‌ها و بحث و نتیجه‌گیری

در مطالعه حاضر، مشخص شد که: این واژه در کلیه منابع پزشکی نیاکان به سه مفهوم بیماری سرطان، برج سرطان و خرچنگ به کار رفته است. در برخی از منابع به سرطانزایی بعضی از خوراکی‌ها و در برخی دیگر به خاصیت ضدسرطانی بعضی از مواد اشاره شده است که با توجه به درمان‌ناپذیر بودن بسیاری از سرطانها لازم است بدون پیش‌داوری، با بهره‌گیری از ابزارها و تجهیزات امروزی در خصوص میزان صحت و سُقم آن تحقیق شود.

در این منابع مکرراً بر احتباس مواد زائد و عدم جابجایی و تخلیه آنها یا به هم خوردن



۱ - دانشیار بیماریهای عفونی و MPH، مدیر گروه آموزشی طب سنتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۲ - استاد جراحی، رئیس مرکز تحقیقات سرطان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۳ - استاد جراحی، مدیر گروه آموزشی طب سنتی دانشگاه علوم پزشکی تهران

۴ - پزشک مرکز بهداشتی - درمانی فیروزکوه، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



تعادل بین مواد موجود در بدن، به عنوان یکی از علل بروز سرطان تاکید شده است که امروزه در طب رایج نیز مطرح است و براساس این باور، در پزشکی نیاکان، رهنمودهایی به منظور به حرکت درآوردن اینگونه مواد و تخلیه آنها ارائه گردیده است که جای تامل دارد و بایستی به عنوان یک فرضیه مهم، به آزمون گذاشته شود.

به احتمال تبدیل برخی از بیماریها و جراحات مزمن به سرطان نیز اشاره شده و رهنمودهایی به منظور پیشگیری از بروز اینگونه سرطانها ارائه گردیده و بر تشخیص زودرس برخی از بیماریها و مداخله درمانی به موقع به منظور جلوگیری از ادامه روند سرطانی در آنها تاکید شده که به عنوان یک اصل کلی، باورکردنی و قابل اقتباس می باشد. همچنین بر درمانپذیری بعضی از انواع سرطان و درمان ناپذیری برخی دیگر از انواع آن به طور مکرر، تاکید شده و بخصوص در موارد درمانپذیر، تشخیص زودرس و مداخله درمانی به موقع را مطرح نموده اند.

بر درمان جراحی و ریشه کنی کامل و برداشتن قسمتی از نسوج ظاهراً سالم اطراف نسج سرطانی نیز تاکید گردیده و تشخیص های افتراقی بالینی سرطانها و بیماریهای مشابه را مطرح کرده اند. بیماریهای سرطانی را منحصر به عضو خاصی ندانسته و به تمامی ارگانها و از جمله، پوست، چشم، بینی، زبان، دستگاه گوارش . . . و رحم، تعمیم داده اند. میزان بروز سرطان را مرتبط با جنس افراد دانسته اند که همگی به عنوان سوزدها و فرضیات قابل پژوهش، مطرح میباشد و همتهای والایی را می طلبد.

واژه های کلیدی: پزشکی نیاکان، طب سنتی، سرطان

تعریف

قانون در طب، نخیره خوارزمشاهی، اغراض الطبیه و برخی از منابع دیگر پزشکی نیاکان و تشکیل بانک های اطلاعاتی الکترونیک اقدام کرده و سپس به جستجو پرداخته ایم.

واژه سرطان در منابع اصلی پزشکی نیاکان به سه مفهوم کاملاً متفاوت بیماری سرطان، ماه سرطان (تیرماه) و خرچنگ، مورد استفاده قرار گرفته و در واژه های مرکب مدارِ رأسُ السرطان، دواء السرطان . . . و معجون السرطان نیز به چشم می خورد.

نتایج

۱- کتاب الحاوی رازی

این واژه در کل مجله های بیست و سه گانه الحاوی رازی (۱)، حدود ۲۸۷ مرتبه تکرار شده است. به طوری که ۲۰۰ مرتبه به مفهوم بیماری سرطان و بقیه موارد به معنی انواع خرچنگ دریایی، رودخانه ای، گوشت خرچنگ، سوزانده و

هدف و روش

در این مطالعه به منظور دستیابی سریع و دقیق به موارد استعمال و مفاهیم این لغت در متون اصلی پزشکی نیاکان، به رایانه ای کردن منابع اصلی، نظیر الحاوی، ابنیه، هدایت،

خاکستر خرچنگ ... و چشم خرچنگ میباشد. شایان ذکر است که این دانشمند عالیقدر، کتاب دوازدهم از مجموعه دایره‌المعارف الحاوی را کلاً به بیماریهایی نظیر سرطان، دُمَل‌ها، آبسه‌ها و امثال اینها اختصاص داده و علاوه بر استفاده کامل از آثار متقدمین و از جمله بهره‌گیری کامل از کتاب همه‌گیری‌های بقراط، تجربیات و نظرات خود و سایر اطباء ایرانی را نیز بر آن افزوده است که به دلیل عدم ترجمه کامل این اثر با عظمت از عربی به فارسی، به ذکر همین چند کلمه اکتفا می‌نماییم.

۲ - کتاب الابنیه علی حقایق الادویه

واژه مورد بحث، در کتاب ابنیه (۲) که اولین کتاب پزشکی در زمینه داروسازی و داروشناسی به زبان فارسی میباشد ۹ مرتبه تکرار شده است، ۵ بار به مفهوم بیماری سرطان و ۴ بار به معنی خرچنگ که ذیلاً به ارائه مثالهایی از این کتاب پرداخته میشود:

• سرطانزایی بادمجان (صفحه ۴۶ ابنیه)... و خاصیتش آنست که جُذام آرد و سرطان، و بَهَقُ و کلف سیاه پدید آورد و در همه رگها انسداد پدید آرد، و خون بسوزاند و سودا را نیرو کند، و از آن به نباشد که نخوری و چون خوری به سرکه پخته خوری.

• خاصیت ضد سرطانی قدومه (صفحه ۸۰): تُوذَرِیح، تُوذَرِی (قدومه) تُوذَرِیح ... و سرطانی که زخم نشده باشد، چون به آب و انگبین بَسْرِشِی و بکار بری

• خاصیت ضد سرطانی توتیا (سولفات مس - صفحه ۸۲): توتیا چند گونه است، و بهترینش طباشیری است، پس زنگاری پس خراسانی پس کرمانی، و این همه معدنی است و همه سرد و خشک است زخمهای سرطانی را سود کند و هر زخم زشتی را نیز، و خشک گرداند بی سوزندگی، و زخم چشم را منفعت کند، و زخم مقعد و مذاکیر ببرد، و چشم را قوی گرداند، و بینایی را تیز کند، و دمعه بچیند، و تاریکی از چشم ببرد.

• خاصیت ضد هاری خاکستر خرچنگ (صفحه ۱۶۹ -

۱۶۸): ... و بعضی جراحتهای سینه و شش را فراهم آورد، چون خاکستر خرچنگ جو بیاری، و در صورتی که ده ملعقه از این خاکستر بخورند بر گازگرفتگی سگ هار سود کند.

• خاصیت سرطانزایی عدس (صفحات ۲۲۵-۲۲۴): عدس سرد است و خشک در درجه دوم خونی سودایی انگیزد، و چون بسیار خورد کسی که سودا بر وی غالب بود در تنش بیماریهای سودایی آرد، چون جُذام و سرطان و وسواس سودایی و چشمی را که مزاجش خشک بود زیان دارد ... مُدام خوری، داء الفیل آورد و سرطان و آماسهای سودایی.

۳ - کتاب هدایت المتعلمین

در کتاب تاریخ طب در ایران پس از اسلام (۳) کتاب ابنیه را که قبلاً به آن اشاره گردید به عنوان اولین کتاب پزشکی به زبان فارسی و کتاب هدایت المتعلمین را به عنوان دومین کتاب، معرفی نموده‌اند ولی از آنجا که کتاب ابنیه در خصوص داروسازی و داروشناسی، تالیف شده است ولی کتاب هدایت، خلاصه‌ای از طب و بهداشت را ارائه میدهد لذا می‌توان هدایت را اولین کتاب پزشکی و بهداشتی دانست که به زبان فارسی نگاشته شده است.

واژه سرطان در کتاب هدایت المتعلمین (۴)، حدود ۳۷ مرتبه مورد استفاده قرار گرفته است. به طوری که ۱ مورد به معنی یکی از ماههای سال، دو مورد به مفهوم دوا و معجون، ۱۴ مورد به معنی خرچنگ و ۲۰ مورد هم به مفهوم بیماری سرطان آورده شده که ذیلاً به ارائه مثالهایی از آن پرداخته میشود:

• واژه سرطان به عنوان یکی از ماههای سال (هدایت، صفحه ۱۵۱-۱۵۰) ... گوئیم نواحی، چهار است: شمال و مشرق و جنوب و مغرب. و طبایع نواحی مانده باشد به طبایع بادها یعنی بادهای شمال و جنوب و صبا و دبور و وقت برآمدن ستارگان و فرو شدن آنها چنانکه وقت برآمدن شَعْرِی سخت گرم باشد و چون آفتاب به جوزا و سرطان و اسد باشد وقت سخت گرم باشد و چون به قوس و جدی و دلو باشد سخت سرد باشد باز چون به میزان و حمل باشد



آن خَلط غلیظ در خون بماند و هرکجا برود بیماری‌های سودایی آورد و خاصه چون غذاهای سودایی با وی یار گردد و اگر این خون سوی پوست آید باعث لکه‌های پوستی نظیر بَهَقُ گردد و اگر به اندامی گرد آید باعث سرطان شود و اگر به همه تن گرد آید جذام گردد. (باب ۱۵۸: درباره جذام و درمان آن).

• (در مورد درمان ناپذیری سرطان، هدایت، صفحه ۶۰۵):
... باز اگر این بَلغم میل دارد به سوی سودا، نشان وی آن است که این آماس به هنگام لمس با دست، سرد و شدیداً سخت باشد و سیاه رنگ و تیره‌رنگ، و این بر دوگونه است: یکی سرطان باشد و این درمان نپذیرد و دیگرگونه باز درمان پذیرد و باید تا بنگری تا آماس را صلابت به چه مقدار است اگر صلابت بسیار بوده و حس نداشته باشد نیز دشوارتر باشد... پس اگر بر این آماسها رگهای کبود پدید آید و اندکی گرمی دارد اکنون این سرطان باشد و به نشود چنانکه بقراط گوید: سرطان، بهبودناپذیر است و اگر بهبود یافت سرطان نباشد (السرطان لم یبرا و ان برأ فهو لیس به سرطان). (باب ۱۶۹: درباره اصناف اورام).

• (در باره سرطان، هدایت، صفحه ۶۰۷-۶۰۶): این سرطان چون به ابتدا باشد درمان توان کرد تا نیفزاید، و اگر به اندامی باشد که آن اندام را بتوان برید ببرید تا برهد، و اما اگر تنه سرطان ببری یا داغ کنی هرگز به نشود و بیم آن باشد که هلاک گردد. باز اگر از پس آماسهای گرم آمده امید باشد که بهبود یابد یا نیفزاید، اگر به ابتدا باشد نشان وی آن است که از نخست آماسی پدید آید به اندازه چند باقلا باز چند گردو گردد باز بزرگ‌تر و سخت‌تر شود و اندکی گرمی دارد، چون روزگار برآید رگهای کبودی در وی پدید آید و بدان رگها غذای سودایی یابد، و درمان آن از اول، رگ زدن باشد و دفع خَلط سودایی را و طعمهای زودگوار خوردن تا از آن غذای ستوده یابد چون نان حواری و گوشت مرغ خانگی و گوشت بره و شیر تازه و روغن بادام و شکر، و بینی را به روغن بنفشه تعهد کردن چنانکه در باب مالیخولیا و در

سخت معتدل باشد و چون به حوت باشد مانده باشد به زمستان و چون به ثور باشد مانده باشد به تابستان و به عقرب و به سنبله به همین قیاس بود.

• (جمع شدن مواد خارجی در بدن، منجر به بروز سرطان میشود، هدایت، ص ۱۸۰): در باب ۴۵ کتاب که درباره احتقان به رشته تحریر در آمده، چنین نگاشته است: ... و اگر این احتقان به دماغ باشد ... و اگر به گوشت گرد آید اورام را سبب شود و استسقا و یرقان سیاه و زرد را و سرطان و جذام و برص را ... موجب گردد.

• (در باره سرطان رحم، هدایت، صفحه ۵۱۴): رحم نیز همچون سایر اعضاء بدن، دچار بیماریهای عامی نظیر آماس گرم و سرد و انسداد و زخم و جراحت، و بیماریهای خاصی همچون بسیار فرود آمدن حیض «یا اختناق الرحم» یا سرطان رحم یا آبستن نشدن یا عقیم بودن و نازایندگی یا دشواری، میگردد. و من اکنون نشان آن یک به یک یاد کنم... (باب ۱۴۰: درباره دردهای رحم)

• (در مورد احتمال تبدیل آماسهای شدید به سرطان رحم، هدایت، صفحه ۵۳۷ و ۵۳۶): ... و باز اگر آماس، سخت گردد نشان وی آن باشد که تب برود و گرانی آماس بماند و با دست قابل لمس باشد و ادرار بند آید و شکم نیاید و اکنون دشوار گردد و نیک جهد باید کرد تا سرطان نگیرد، و دایم ضماد باید کرد از میعه تر و مُقل و اُشَق و پیه اردک و مغز استخوان گاو و روغن سوسن و برنهادن بر زهار و بر آنجا که آماس بوده باشد ... و تا دو ماه جهد کن تا مگر تحلیل پذیرد، پس اگر دو ماه بگذرد و آماس نرود دیگر سرطان گشته است و آنگاه درمان سرطان باید کرد. . . باز اگر سرطان گردد نشان وی آن باشد که تب نرود و آماس سخت گردد و اندکی درد و سوزش بماند ... (باب ۱۴۳: درباره قروح الرحم).

• (توضیح و توجیهی در باره علت سرطان، هدایت، صفحه ۵۸۳): چند بار گفتم که چون کبد گرم باشد اَخلاط را غلیظ گرداند و چون کبد به این حال باشد و طحال قوی نباشد

باشند (فصل پنجم: بیماری‌های مرکب).

• (درد سنگین، قانون در طب): درد سنگین ورمی است که در اندام بی حس مانند شش، کلیه و طحال پدید می‌آید. این ورم به واسطه سنگینی و ثقل خود رو به پایین فرو می‌هد و اندام را با پیچش به سوی خود می‌کشد. یا این‌که خود ورمی است که در اندام حساسی پیدا شده است، لیکن درد ناشی از ورم، حساسیت اندام گرفتار را از بین برده است، مانند سرطان که در معده بروز می‌کند و در چنین حالتی ورم حس می‌شود ولی دردی ندارد، چه ورم سرطان اندام گرفتار شده را از حس محروم کرده است.

• (سرطان چشم، قانون در طب، کتاب سوم، ص ۲۲۴):
اکثراً در پرده بیرونی قرنیه پدید آید. درد شدید، کشیدگی در رگ‌های چشم، سوزش خنجر زیاد که بویژه به هنگام حرکت بیمار سر به ترکیدن می‌کشد. سرخی در لایه‌های چشم، سردرد، بی‌اشتهایی و آزار دیدن از هرچه حرارت در آن است. این حالت درمان‌پذیر نیست. مگر از داروها تسکین یابد. درد سرطان چشم از درد سرطان هر عضو دیگر شدیدتر است. استعمال داروهای تند، هیجان و دردی را همراه دارد که طاقت فرسا است (فصل ششم: سرطان چشم)

• (تشخیص افتراقی سرطان بینی و سایر توده‌ها، قانون در طب، کتاب سوم، ص ۳۱۶): اگر سرطانی باشند ریخت بینی به هم می‌خورد و از کشیدگی زیاد درد شدید دارد، که همان بدرنگ بد تکوین است و زیاد ریشه دوانیده است و تراوش‌های دایمی و بدون انقطاع و بدون کاهش دارد. فرق میان بواسیر بدخیم و سرطان این است: اگر بعد از بیماری سر، گوشت در بینی رویید و سیلان بود بواسیر است، اگر نه از بیماری بلکه در حالات سلامت بدن در بینی پیدا شد و سیلان نداشت، سرطان است (فصل هفتم: بواسیر و پلیپ).

• (پیشگیری از سرطان پستان، قانون در طب، کتاب سوم، ص ۵۷۳): اگر نُک پستان به درد آمد، رگ بزن و خون از آن بگیر و آب صندل و آقاقیا بر پستان بپاش که مبادا

باب جذام یاد کردم، و باز بر این آماس نهادن چیزهای خنک سرد کننده که نیفزایش یا لعاب اسبغول و سفیده اریزیر یا سفیده سرب یا آبار سوخته بسیار برنهادن با سرکه و گل اُرمی و جهد کنی تا بطلی خنک آن را فرو کشته داری تا نیفزایش و تبدیل به زخم نکند، باز اگر زخم شود به مرهم خطمی درمان کنی و به مرهم کافور و درمان آن دشوار باشد اگر بتواند آن اندام را ببرد و داغ کند.

و نشان ریم سرطان آن است که گنده (متعفن) باشد و سیاه‌رنگ، و زخم گرم باشد و اطراف زخم رنگین باشد سرخ‌رنگ یا سیاه‌رنگ و هرچند روز فراخ‌تر گردد. چون این نشانیها پدید آمد امید باید گسستن و جهد بریدن و داغ کردن یا جهد کردن تا سرد شود (باب ۱۷۰: درباره سرطان و خنازیر)

۴ - کتاب قانون در طب ابن سینا

در کتاب قانون عربی چاپ بیروت، واژه سرطان بیش از ۱۶۰ مرتبه مورد استفاده قرار گرفته است. به گونه‌ای که قریب ۳۰ مرتبه به معنی انواع خرچنگ، چند بار به مفهوم یکی از ماه‌های سال و در بقیه موارد به معنی بیماری سرطان به کار رفته است. یادآور میشود که این واژه در چاپ فارسی، حدود ۱۸۰ مرتبه تکرار گردیده و مثال‌هایی که ذیلاً ارائه میگردد از ترجمه مرحوم شرفکندی (۵)، انتخاب گردیده است:

• (تشخیص افتراقی سرطان، قانون در طب، کتاب اول، ص ۱۷۶): فرق بین ورم‌های سرطانی و ورم‌های سخت این است که ورم سخت، آرام و بی‌حرکت است و حس را از بین می‌برد و یا اندام را تپاه می‌گرداند و هیچ دردی همراه ندارد ولیکن ورم سرطانی جنبنده است، فزونی می‌یابد، درد و آزار همراه دارد، بیخ و ریشه‌های آن در اندام‌ها ریشه می‌دواند و با وجود سرطان، حس از بین نمی‌رود مگر این‌که ورم سرطانی بسیار دوام یابد که آنگاه اندام را می‌کشد و حس اندام نابود می‌شود... بعید نیست که ورم سرطانی و ورم سخت در گوهر، یکی ولی در روی‌آورد و پدیده متفاوت

به سرطان تبدیل شود (فصل ششم: ورم گرم و احساس درد در بیخ پستان).

• (در باره سرطان کبد، قانون در طب، کتاب سوم، ص ۲۴۳): اکثراً ورم سخت کبد یادگاری از ورم پیشین است که در کبد بوده و گاهی رخ می‌دهد که ورم بدون سابقه قبلی در کبد سربرآورد و امکان دارد که از اثر وارد شدن ضربه‌ای بر کبد، ورم کبد و به سفتی بیانجامد. اگر امکان داشته باشد که کبد و اطراف آن را به وسیله دست و انگشتان لمس و معاینه کنی، می‌توانی ورم سخت را بشناسی و اگر تجمع آب در شکم (آسیت) بر معاینه پزشک پیشی نگیری، بخوبی ورم سخت کبد لمس می‌شود و می‌توانی با چشم آن را ببینی... اما اگر ورم به ورم سرطانی تبدیل شد امید بهبودی کم است. تنها چیزی که شاید بهره‌رسان باشد، داروی اسقلنیادوس است که در اقرابادین (کتاب پنجم قانون) ذکر شده است و این دارو را باید بدون زهره خرس - که در ترکیبش وارد است - استعمال نمایند (فصل هشتم: ورم سخت و سرطانی در کبد).

• (سرطان رحم و سقط جنین، قانون در طب، کتاب سوم، ص ۳۲۰):... ممکن است ورم خونی یا هر ورمی در زهدان، یا سخت و سفت شدن زهدان یا سرطان و یا قرچه‌هایی در زهدان سبب براندازی جنین شود... اگر سختی ورم زود از بین نرود ممکن است به ورم سرطان تبدیل شود... مرهم رسل در درمان ورم سرطان زهدان اثر شگفت آور دارد و درد را تسکین دهد (فصل سوّم: بهداشت بعد از زایمان).

• (انواع ورم‌های سرطانی، قانون، کتاب چهارم، ص ۲۸۷): ورم سرطان چندین نوع گوناگون دارد که از این قرارند:

- ۱ - ورم سرطانی که بسیار درد دارد.
- ۲ - ورم سرطانی که کمتر درد همراه آرد و آرام است.
- ۳ - ورم سرطانی که چرک می‌کند.
- ۴ - ورم سرطانی که ثابت و بی‌حرکت است و چرکین نمی‌شود.

گاهی رخ می‌دهد که ورم سرطان چرکین شده و به ورم

سرطان بدون چرک تبدیل شود و گاهی اتفاق می‌افتد که ورم سرطانی بدون چرک به ورم سرطانی چرکین تبدیل گردد، این حالت وقتی رخ می‌دهد که پزشک آن را عمل کرده و با نیشتر زنی ورم را به چرک کردن درآورده است و در نتیجه کناره‌های ورم غلیظتر و سخت‌تر شده‌اند.

• (وجه تسمیه این بیماری؛ چرا این نوع از ورم را سرطان نامیده‌اند در حالیکه سرطان به معنی خرچنگ می‌باشد، قانون، کتاب چهارم، ص ۲۸۸)

ابن سینا در این خصوص می‌نویسد: به عقیده من در این نامگذاری یکی از دو حالت زیر را در نظر داشته‌اند:

۱ - ورم سرطان به اندام ورم زده چنان چنگ اندر زده است که خرچنگ، شکار خود را در بر گرفته و چنگ در آن می‌زند.

۲ - ممکن است از آن رو نامش را سرطان گذاشته باشند که ورم به شکل و شمایل خرچنگ بوده، مستدیر است، رنگش به رنگ خرچنگ شبیه است و شعبه‌هایی را از خود پراکنده است که به پاهای خرچنگ - که در پیرامونش قرار دارند - شباهت دار (فصل هشتم: ورم سرطانی).

• (اصول کلی درمان سرطاناتها، قانون در طب، کتاب چهارم، ص ۳۸۸): اگر ورم سرطان کوچک باشد شاید به وسیله قطع کردن، از بین برود. دستور عمل کردن و بریدن سرطان چنین است: باید علاوه بر اصل ورم هرچه که از ورم تاثیرپذیر شده و از آن منشعب گردیده و در پیرامون ورم موجود است و می‌دانی که ممکن است به همه رگ‌ها چنگ بزنند، همه را به کلی ریشه‌کن کنی و از بیخ و بن برآوری تا چیزی از آن باقی نماند که از ورم آبیاری شود. بگذار خون زیادی از محل عمل جراحی بیرون ریزد. قبلاً اشاره کردیم که باید بدن بیمار را از ماده بدجنس ورم‌زا (عامل مسبب احتمالی) تخلیه و پاک‌سازی کنی و در این پاک‌سازی خونگیری و اسهال را به کارگیری. باید بعد از پاک‌سازی به وسیله غذاهای خوب و مناسب در چند و چونی، بی‌آلایشی بدن را حفظ کنی. باید وسیله غذاهای خوب اندام سرطان زده

را چندان نیروبخشی که تاب دفع کردن ماده ورم را داشته باشد. هرچند بریدن ورم در اکثر حالات اندام ورم زده را از بد نیز بدتر می‌کند و حتی ممکن است بعد از بریدن ورم نیاز به داغ گذاشتن برجای بریده شده باشد و شاید داغ گذاشتن خطری بزرگ در برداشته باشد. یعنی در حالتی که ورم سرطان به اندام اصلی و بسیار ارزنده نزدیک باشد و داغ برجای ورم سرطان بگذاری حال بیمار بسیار بد شود. یکی از پزشکان پیشینه روایت می‌کند که زمانی پزشکی را دیده است که پستان سرطان زده را از بیخ بریده و در نتیجه پستان دیگر به سرطان مبتلا شده است. من در این باره می‌گویم: پستان دومی در راه مبتلا شدن به سرطان بوده و وقتی که پستان اولی را بریده تصادفا در آن وقت سر برآورده است. یا ماده سرطان را از پستان اول - قبل از قطع شدن - یا از جای دیگری به پستان دوم منتقل شده است که این احتمال دوم را ترجیح می‌دهم (درمان ورم سرطان).

۵ - واژه سرطان در اولین دایره المعارف پزشکی

فارسی، کتاب ذخیره خوارزمشاهی (۶)

... و هر آماسی که از بلغم رقیق باشد، نرم و سفید است و آنچه از بلغم غلیظ باشد صُلب و سفید است و آنچه صُلب و تیره است و رگهایی سبز گرد آن برخاسته و اندکی حرارت و ضربان کُند آن را سرطان گویند و این سرطان در همه اندام‌ها می‌تواند بروز نماید و خنازیر در حوالی گردن و بغل و ران بیشتر باشد و صُلب باشد و سلعه از گوشت جدا و جنبان باشد. او را به سر انگشتان بتوان گرفت. و فرق میان سرطان و خنازیر و سلعه آن است که سلعه از پوست و گوشت جدا است و خنازیر از گوشت جدا است ولی از پوست جدا نیست و سرطان با پوست و گوشت آمیخته است.

و فرق میان آماس صُلب و سرطان آن است که آماس صُلب، ساکن است و حس عضو را باطل کرده یا کاهش دهد و بی درد است و سرطان که با درد باشد و ریشه‌ها و شاخه‌ها دارد بر سان خرچنگ زنده است ولی چه بسا پس

از مدتی گوشت عضو، مرده شود و جس آن زایل گردد (ص ۷۸ {K2G1B6})

• اثرات درمانی خرچنگ (سرطان)

● گوشت او خار و تیری را که در جراحت مانده باشد بیرون آرد

● سوخته آن در داروی کلف و بهق به کار آید و در داروی قویا نیز به کار آید چنانکه در جایگاهش یاد شده است

● آماس‌های صُلب را بدان ضمامد کنند تحلیل کند اگر به تازگی بکوبند و با قلمیای سیم بسرشند و بر آماس سرطانی ضمامد کنند سود دارد

● خوردن آن مبتلایان به بیماری سل را سود دارد خاصه که او را به شیر خر بپزند

● خاکستر او در درمان شقاق که به معده در آید و بر گزیدگی انسان و رتیل ضمامد کنند سود دارد

● گوشت او دیر گوارد ولی در صورتی که بریان کرده و کوفته و آمیخته به انگبین بخورند یا همراه با ماش بپزند، گزیدگی سگ هار را سود دارد (ذخیره، کتاب نهم، گفتار: در باره منافع اعضای حیوانات، ص ۱۵۰)

• سبب ألمّ ثقیل، آماسی باشد در عضوی که گوهر آن را حس نباشد چون شُش و کبد و کلیه و طحال و به سبب آماس، معالیق آن کشیده شود و احساس سنگینی پدید آید. یا دردی باشد در عضوی حساس. لکن شدت بیماری، حس عضو را باطل کرده باشد، همچون سرطانی که در فم معده باشد و بیمار، احساس سنگینی میکند نه احساس درد. (ذخیره، کتاب دوم، ص ۱۰۸ {K2G9J1B16})

• (سرطان، به عنوان نام یکی از ماه‌های سال، ذخیره، کتاب سوم، باب ۴، ص ۱۱۶): هر فصلی را از فصل‌های سال منجمان حدی گفته‌اند و پزشکان حدی گفته‌اند و میان هر دو تفاوتی هست زیرا نزدیک منجمان آغاز هر فصلی آن روز باشد که آفتاب به برجی رسد از برج‌های منقلب و آن برج‌ها حمل است و سرطان و میزان و جدی. هرگاه که آفتاب به

و رگ‌های چشم، سرخ و متمدد گردد و اگر به صُدغ‌ها باز گردد و هرگاه که فرد مبتلا حرکتی کند و برود صداعش خیزد و ماده تیز و رقیق به چشم او فرود آید و اشتها از بین برود و اگر داروی تیز درکشند بی طاقت شود و این بیماری را امید زایل شدن نباشد زیرا دارو قوی‌تر از بیماری باید تا بیماری را دفع کند و هیچ دارویی قوی‌تر از این بیماری نیست و بدین سبب است که جذام را و سرطان را امید زایل شدن دشوار است.

تدبیر صواب در درمان این بیماری آن است که جهد کنند تا آنچه در دست ساکن شود و آنچه بی درد است هم بر آن بایستند نخست باید تن را پاک کرد و خَلط سودایی را کاهش داد و به درمانی که در مالِخولیا یاد شده است مشغول شد و شیر تازه خوردن در این بیماری سود دارد (نخیره، کتاب ششم، ص ۳۵۸ {K6G2J5B7}).

• باسور بینی دو گونه است یکی گوشتی باشد نرم و سفید بی درد بی آنکه از وی تری پالاید دوم گوشتی باشد سرخ و تیره و با درد و از وی زرداب عفونی می پالاید و بسیار باشد که در بینی گوشت فزونی پدید آید به رنگ او تیره و سخت باشد و کام نیز آماس گیرد آماسی صُلب و گمان افتد که باسور است و آن سرطان باشد.

فرق میان باسور و سرطان آن است که باسور بیشتری از پس سرسام و نزله و مزمن پدید آید و نرم باشد و گاه باشد که دراز گردد و سر از بینی بیرون آرد و گاه باشد که به کام فرو آید و سرطان تیره و صُلب باشد و از وی هیچ تری نپالاید و به سبب صُلبی و کشیدگی با درد باشد و أعراض سودایی بر آن گواهی دهد . . .

درمان

و سرطان را به هیچ وقت نشاید جنبانید نه دارو بدو شاید برد و نه شاید برید و جز به پرهیز و فصد و تن از ماده سودا پاک کردن مشغول نشاید بود و گوشت فزونی را به فصد و اسهال تن پاک کنند (نخیره، کتاب ششم، ص ۳۷۴ {K6G4B4}).

اول حمل رسد بهار باشد تا به اول سرطان رسد و از اول سرطان، تابستان باشد تا به اول میزان رسد و اول میزان، خزان باشد تا اول جدی و از اول جدی، زمستان باشد تا اول حمل باز رسد و اهالی صحرا و عرب و ترک فصل‌ها را حدی دیگر نهاده‌اند (نخیره، کتاب سوم، ص ۱۱۶ {K3G1B4}).

• و بیماری‌های خزانی شامل: گر باشد و قوبا که به زبان فارسی بریون گویند و سرطان و آماس‌های سرطانی و اوجاع مفاصل و درد پشت و درد ران‌ها و تب‌های مرکب و تب ریع و درد طحال و تقطیر ادرار.

(نخیره، کتاب سوم، ص ۱۱۹ {K3G1B8}).

• (احتمال سرطانزایی گوشت گاو، نخیره، کتاب سوم، ص ۱۳۱):

از وی غذای تمام خیزد، کسی را که بگوارد و خونی غلیظ و سوداوی تولد کند و نشاید مگر کسانی را که کارهای سخت و پُرمشقت کنند و اگر کسی دیگر که چنین کاری نتواند کرد پیوسته گوشت گاو خورد وی را بیماری طحال و سرطان و دوالی و بیماری‌هایی که ناشی از خون سوداوی باشد پدید آید (باب دوم - در مورد طبع و مزاج و منفعت و مضرت گوشت‌ها و بازداشتن مضرت‌های آن و به صلاح آوردن آنچه به صلاح باید آرد (نخیره، ص ۱۳۱ {K3G3I2B2}).

• . . . و اسباب بی‌خوابی نه است . . . هشتم آماس سودایی چون سرطان و مانند آن که در حوالی مغز پدید آید. . . (نخیره، کتاب ششم، ص ۳۰۷ {K6G1J2B6}).

• سرطان آماسی است صُلب سودایی و در همه اندام‌ها رخ دهد و بر هر اندامی که افتد حال او نخست مشکل و پوشیده باشد و سرانجام، ظاهر گردد و از نخست که پدید آید به اندازه چند دانه باقلی و رنگ آن تیره باشد و اگر دست برنهند اندکی به گرمی گراید و بعضی سخت دردناک و خَلنده باشد و آنچه دردناک‌تر باشد گرم‌تر است و زودتر زخم گردد و بعضی ساکن است و زخم نشود اما آنچه در چشم بر طبقه قرنیه پدید آید سخت با درد و با خَلیدن باشد

بیرون آید و درد اندک باشد و تا سرطان بگردد درد صعب تولد نکند و درد سرطان با صعوبی دردی خلنده است و درد به زهار و کشاله‌های ران برآید و به مفصل سرین باز دهد و باشد که درد چشم و درد صُدغ‌ها (طرفین پیشانی) پدید آید و بیمار ضعیف و لاغر شود خاصه ساقها و پشت پای او آماس کند و باشد که شکم بزرگ شود همچون مبتلایان به استسقا و باشد که استسقاء راستینی پدید آید و آماس سرطان صُلب و ناهموار باشد و رگ‌های او چون بیماری دوالی برخاسته بود و رنگ آماس تیره باشد یا به سبزی گراید یا به رنگ آرزیره باشد یا رنگ دُردی شَراب دارد و باشد که مبتلایان به این بیماری را تبی آهسته گیرد و هرچند درد سخت‌تر گیرد تب، سوزان‌تر شود و اگر سرطان، ریش گردد و ریمی چرکین ناهموار بیرون آید و باشد که صَدیدی سبز و گنده می‌پالاید و باشد که خورده شود و خون صرف پالاید و گمان افتد که حیض است و نباشد {K6G20J2B4}

• (کلیاتی در مورد سرطانها، نخیره، کتاب هفتم، ص ۵۸۵-۵۸۴): درمان بدان باز گردد و سرطان بیشتری به ابتدا که پدید آید در اندام‌های نرم و متخلخل پدید آید و بدین سبب بیشتر در زنان عارض شود و در پستان و اندام‌های پُرعصب چون رحم و مردان را بیشتر در حوالی حلق و حنجره رخ دهد و در بیضه و در آلت تناسلی و در روده‌ها نیز حادث شود و سرطانی که هنوز در ابتدا باشد دشوار توان دانست و چون ظاهر گردد درمان دشوار پذیرد و نخست که پدید آید چند یک دانه باقلی یا کوچک تر و صُلب باشد و رنگ آن تیره است و در وی حرارتی اندک یافت میشود و سرطان در بعضی از موارد با دردی شدیدتر همراه است و بعضی ساکن تر میباشد و بعضی زود زخم میشود و بعضی ساکن مانده و زخم نمیشود و آنچه زخم خواهد گشت چه بسا با دارو ساکن شده و زخم نشود و آنچه زخم نخواهد گشت چه بسا با دارو زخم گردد {K7G2B1}

• (در مورد سرطان و درمان آن، نخیره، ص ۵۸۵)

● تدبیر صواب در درمان این بیماری آن است که آن

• درمان سرطان زبان، نخیره، کتاب ششم): ... و اگر آماس، سرطانی و بزرگ باشد چنانکه دهن باز ماند آن را درمان نباشد مگر آنکه زبان از بن ببرند تا از آن بلا برهد (نخیره، کتاب ششم، ص ۳۸۴ {K6G5I2B7}

• (در مورد پیشگیری از سرطان لینگولا، نخیره، کتاب ششم): ... و اگر آماس‌ها سودایی باشد حال همچون حال آماس زبان باشد و درمان همان و پیوسته استفراغ سودا می‌باید کرد و چیزهای خنک چون آب گشنیزتر و آب کاهو در دهن داشتن و بدان غرغره کردن تا آماس، سرطانی نشود و زیادت نگردد پس اگر ماده از نوع بلغم غلیظ باشد و پزشک بحکم مشاهده داند که درمان‌های دیگر شاید کرد درمان خُناق سودایی باید کرد داروهایی که اندر دمنند اگر خواهند بسرشدن و طلی کنند مازوی سبز یک جزو زاج سرخ و سماق از هر یک سه جزو و دو دانگ نمک بیست جزو به شراب خربوت بسرشدن و طلی کنند (نخیره، کتاب ششم، ص ۳۸۵ {K6G5I2B10}

• (پیشگیری از سرطان پستان، نخیره، کتاب ششم): ... هرگاه که سر پستان درد خیزد نخست رگ باید زد و صندل و آقاقیا طلی کرد تا به سرطان باز گردد (نخیره، کتاب ششم، ص ۴۲۶ {K6G9B5}

• (در مورد سرطان دستگاه گوارش، نخیره، ص ۴۸۱): اسهالی که نخست پدید آید اگر سیاه و سودایی باشد هلاک کند زیرا نشان آن باشد که آماس سرطانی عَفِن شده و سرکرده است و آنچه در آخر تنها افتد همچنین باشد اگرچه هنوز سَحَج نکرده باشد خاصه اگر بوی ترشی دهد و زمین را برجوشاند و مگس گرد آن نگردد و اگرچه هنوز قوَت برجای بوده باشد یا اگرچه در تندرستی افتد همه بد باشد لکن اگر زمین برنجوشد فضله سودا باشد که دفع می‌شود و امید خیر باشد {K6G14I3B2}

• (بعضی از علائم سرطانها، نخیره، ص ۵۶۳-۵۶۲): آماس صُلب را به لمس بتوان دانست و علامت‌های دیگر آن است که مجرای ادرار و مدفوع گرفته شود و هر دو دشوار

هرچه در درمان مالیخولیا یاد شده است و هرچه در درمان جذام یاد کرده شود درمان این بیماری است و

- حرارت کبد را به غذای موافق و به شربت‌ها و ضمادها ساکن باید داشت و به اعتدال بازآورد تا سوخته شدن خون را بازدارد
- و باید دانست که داروی تحلیل کننده را در این بیماری مضرت بیش از منفعت است زیرا ماده رقیق تر را تحلیل کند و دیگری که بماند غلیظتر شود و بیماری صعبت‌تر گردد و {K7G2B4}

۶- واژه سرطان در کتاب اغراض طبیه (۷)

نوع سیزدهم، المی باشد گران و بتازی ثقیل گویند، سبب آن آماسی باشد اندر عضوی که گوهر آنرا حس نباشد، چون شش و کلیه و سپرن و بسبب آماس، معالیق او کشیده، حس ثقل و الم آن یافته شود، یا آماس اندر عضوی حساس باشد، لکن صعبی علت، حس عضو را باطل کند، چون سرطان که اندر قم معده باشد، بیمار حس سنگینی همی یابد، و حس درد نیابد. سرطان آماسی است صلب و سودایی و علتی معروفست بر همه اندامها افتد.

*... و بسیار باشد که گوشت فزونی پدید آید سخت و رنگ او تیره و کام نیز آماس گیرد، آماسی صلب و گمان افتد که باسور است و نباشد، لکن سرطان باشد. و فرق میان هر دو آنست که باسور نرم باشد و بیشتر از پس سرسام و نزله مزمن تولد کند و باشد که دراز گردد و سر از بینی بیرون آرد. و سرطان سخت باشد و از وی هیچ تری نیالاید، آنرا بهیچ وجه نشاید جنبانید، و علاج این جز پرهیز و فصد و تن از ماده سودا پاک کردن نباشد.

* (در مورد سرطان، کتاب اغراض): سرطان آماسی است و آماس سودایی دوگونه باشد، یکی را به لغت یونان سَقیروس گویند، دوم سرطان است. و فرق میان سرطان و سَقیروس آنست که سَقیروس را حس درد و ضربان نباشد و حرارت و رگها برخاسته نباشد. و سرطان دوگونه باشد، یکی ماده آن سوداءِ خالص باشد، و دیگر با صفرا آمیخته باشد، و با درد

را نگاه دارند تا آنچه پدید آمده باشد همچندان و همچنان بماند و زیادت نشود و زخم نگردد و

- ممکن است که از اول که پدید آید اگر زود درمان کنند بیماری به جملگی زایل شود لکن آنچه محکم شده باشد زایل شدن آن ممکن نیست و
- بسیار باشد که در احشاء، سرطانی آهسته و نهانی پدید آید و درمان صواب، آن است که آن را به هیچ وجه جنبانند و درمان نکنند و اگر درمان کنند باشد که به هلاک انجامد و

- بعضی سرطانها که کوچک باشد و از اندامهای شریف دور باشد آن را می‌توان برید چنانکه ریشه او بریده شود و این چنان باشد که گوشت پاکیزه نیز لختی با آن ببرند و بگذارند تا خون بسیار از وی برود سپس جراحی را مرهم کنند

- و باشد که از پس آن که سرطان بریده باشد داغ باید کرد

- و بسیار باشد که از بریدن و داغ کردن آن خطری عظیم حادث شود، خاصه اگر به عضوی شریف نزدیک باشد و حکایت کرده‌اند که بعضی از پزشکان پیشینگان، پستان زنی که سرطانی داشت به جملگی ببریدند ولی بر دیگر پستان او سرطان پدید آمد و خواجه ابوعلی سینا رحمه الله می‌گوید: ممکن است که در آن پستان دیگر ماده سرطان بوده است و سرطان خواست شد، لکن پس از بریدن این یکی [۵۸۶] پدید آمده و نیز ممکن است که در بدن ماده آن بیماری بسیار بوده و روی بدان یکی داشته چون آن یکی بریده شد به دیگری باز گشته

- درجمله هر وقت که آغاز درمان خواهند کرد نخست تن از ماده سودا پاک باید کرد و استفراغ در این بیماری به ماء الجُبْن صواب تر باشد و هر چندروزی چهار درمسنگ، اَفْتیمون در ماء الجُبْن یا در ماء العَسَل دادن و اگر بجای اَفْتیمون هر چندروزی طبیح اَفْتیمون با سکنجبین آمیخته دهند صواب باشد و

و سوزش و التهاب و ضربان بود، و حوالی او رگها برخاسته و ممتلی بود همچون پایهای سرطان. و رنگ این رگها به سبزی گراید و درد و سوزش به اندازه صفراء سوخته یا سودا باشد و بیشتر که سرطان پدید آید اندر اندامهای نرم و متخلخل پدید آید، و زنانرا اندر پستان و رحم بسیار افتد، و مردانرا اندر حوالی حلق و خایه و قضیب بسیار افتد، و اندر روده نیز افتد.

و سرطان اندر ابتدا دشوار توان دانست و چون ظاهر گردد، علاج دشوار پذیرد. و نخست چون یک باقلی بود کوچک و رنگ آن تیره و با حرارتی اندک بود. و ماده سقیروس با سودای صرف بود و برنگ سرب بود، و یا سودا بلغم غلیظ بود و لون او رصاصی بود و بر وی رگی بود ضعیف، و هیچ دو ازین، علاج پذیر نباشد. و بیشترین نخست آماس گرم بوده باشد و بسبب افراط و بی ترتیبی علاج، سقیروس گردد.

علاج، تدبیر صواب آنست اندر علاج سرطان که نگاه دارند تا آنچه پدید آمده باشد همچنان بماند و زیادت نشود و ریش نگردد و استفراغها به وقت می کنند و غذاهای موافق سرد و تر خورند، چون کشکاب و روغن بادام و ماهی خرد تازه و خایه مرغ نیم برشت و اسفناج و ماش و کدو و مانند آن. و اگر حرارت عظیم بود دوغ گاو تازه سود دارد.

• و گفته ایم که سرطان، جذام یک عضو است، و جذام، سرطان همه تن است، بدین سبب، علاج مجذوم عسر باشد، از بهر آنکه مزاج همه تن آن یکسانست، علاج آن یک نوع باشد ازین جنس و ازین روی علاج آن یکسان بود و سرطان اندر یک عضو بود و مزاج آن عضو، مخالف دیگر اعضا بود، و اندر علاج آن مراعات مزاج احشا باید کرد و از قوتها و مزاجهای دیگر اعضا غافل نشاید بود، طریق علاج آن ازین وجه سخت تر باشد.

بحث و نتیجه گیری

• این واژه در کلیه منابع پزشکی نیاکان به سه مفهوم

بیماری سرطان، برج سرطان و خرچنگ به کار رفته است

- در برخی از منابع به سرطانزایی بعضی از خوراکیها نظیر بادمجان، عدس و گوشت گاو و در برخی دیگر به خاصیت ضدسرطانی بعضی از مواد، نظیر توتیا و خرچنگ و خاصیت ضدتهاری بعضی از مواد نظیر خاکستر خرچنگ، اشاره شده است که با توجه به درمان ناپذیر بودن هاری (۸) و بسیاری از سرطانها (۹) لازم است با بهره گیری از ابزارها و تجهیزات امروزی در خصوص میزان صحت و سقم آن تحقیق شود.

- در این منابع بر احتباس مواد زائد و عدم جابجایی و تخلیه آنها یا به هم خوردن تعادل بین مواد موجود در بدن، به عنوان یکی از علل بروز سرطان مکرراً تاکید شده است که امروزه در طب رایج نیز مطرح است و براساس این باور، در پزشکی نیاکان، رهنمودهایی به منظور به حرکت درآوردن اینگونه مواد و تخلیه آنها ارائه گردیده است که جای تامل دارد و بایستی به عنوان یک فرضیه مهم، به آزمون گذاشته شود.

- به احتمال تبدیل برخی از بیماریها و جراحات مزمن به سرطان، اشاره شده و رهنمودهایی به منظور پیشگیری از بروز اینگونه سرطانها ارائه گردیده که صرفنظر از صحت و سقم مثالهای ارائه شده، به عنوان یک اصل کلی قابل قبول بوده و سوژه های پژوهشی حرکت آفرینی را به بار می آورد.

- بر تشخیص زودرس برخی از بیماریها و مداخله درمانی به موقع به منظور جلوگیری از ادامه روند سرطانی در آنها تاکید گردیده که به عنوان یک اصل کلی، باورکردنی و قابل اقتباس است.

- بر درمان پذیری بعضی از انواع سرطان و درمان ناپذیری برخی دیگر از انواع آن به طور مکرر، تاکید شده و بخصوص در موارد درمان پذیر، تشخیص زودرس و مداخله درمانی به موقع را مطرح نموده اند.

- بر درمان جراحی کامل و برداشتن قسمتی از نسوج ظاهراً سالم اطراف نیز تاکید گردیده است.

- تشخیص‌های افتراقی بالینی سرطانها و بیماریهای مشابه را مطرح کرده‌اند.
- بیماریهای سرطانی را منحصر به عضو خاصی ندانسته و به تمامی ارگانها و از جمله، پوست، چشم، بینی، زبان، دستگاه گوارش... و رحم، تعمیم داده‌اند.
- میزان بروز سرطان را مرتبط با جنس افراد دانسته‌اند.
- هرچند طب رایج از تکامل تدریجی پزشکی نیاکان، حاصل گردیده و بسیاری از حقایق مُسَلَّم آن با آزمون فرضیات قدیمی و بهره‌گیری از تکنولوژی جدید به پاسخ رسیده و ره‌آوردهای آن هم‌اکنون در خدمت حفظ و ارتقاء سلامتی انسان‌های سالم و بازگرداندن سلامتی به کالبد بیماران، می‌باشد ولی این شجره طیبه هنوز پیام‌ها و فرضیاتی برای پیشگیری و درمان بیماریهای علاج‌پذیر و لاعلاج دارد که امید است در آغاز تجدید حیات طب سنتی و بازگشایی درهای دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور به روی آن موجبات رشد و شکوفایی آن را فراهم نموده با اقتباس از تفکر حرکت‌آفرین توحیدی دانشمندان افتخار آفرینی همچون رازی، ابن سینا، جرجانی و... و آزمون فرضیات گزارش‌های موردی، گزارش‌های موارد مندرج در منابع طب سنتی و حتی آزمون مجدد برخی از رهنمودهای موفقیت‌آمیز پزشکی نیاکان، زمینه را برای ادامه سیرتکاملی آن، و گرایش هرچه بیشتر جامعه پزشکی به فرهنگ و تمدن اسلامی - ایرانی، فراهم نماییم و بدینوسیله قسمتی از نارسایی‌های طب رایج را ترمیم و قابلیت پاسخگویی آن را ارتقاء دهیم.
- جلوه‌های اخلاق فضیلت‌گرا که موضوع مقاله دیگری را تشکیل میدهد در ادبیات توحیدی کلیه منابع مورد استفاده مشاهده میگردد.
- جستجوی تخصصی در منابع الکترونیک مربوطه که در متن حاضر تنها به قسمتی از آن اشاره گردیده است بدون شک فرضیات و سوژه‌های پژوهشی مناسبی را تقدیم جامعه پزشکی کشور خواهد کرد و مواد پرجاذبه‌ای را به

منظور انجام پایان‌نامه‌های گروه پزشکی فراهم خواهد نمود... انشاءالله.

منابع

- ۱ - رازی، محمد زکریا: الحاوی فی الطب، جزوهای بیست و سه‌گانه، دار احیاء التراث العربیه، لبنان، سال ۲۰۰۱ میلادی و نسخه الکترونیک در دست تکمیل، صفحات مختلف.
- ۲ - موفق‌الدین ابومنصور علی الهروی: الابنیه عن حقایق الادویه، روضه تلانس و منفعه النفس، (به تصحیح احمد بهمنیار) دانشگاه علوم پزشکی تهران، اسفندماه ۱۳۴۶، صفحات ۴۶-۱ و نسخه الکترونیک در دست تکمیل.
- ۳ - نجم آبادی، محمود: تاریخ طب در ایران قبل و بعد از اسلام، مجلد ۲-۱ نسخه الکترونیک (به کوشش دکتر حسین حاتمی)، <http://www.elib.hbi.ir/persian/library.htm>
- ۴ - اخوینی، ربیع بن احمد الاخوانی البخاری: هدایه المتعلمین فی الطب باهتمام دکتر جلال متینی، دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۱۳۷۱، صفحات ۸۱۱-۱ و نسخه الکترونیک در دست تکمیل.
- ۵ - ابوعلی سینا: قانون در طب، ترجمه شرفکندی (ره)، موسسه سروش، نسخه الکترونیک، (به کوشش دکتر حسین حاتمی)، <http://www.elib.hbi.ir/persian/library.htm>
- ۶ - جرجانی، سید اسماعیل، ذخیره خوارزمشاهی، به کوشش سعیدی سیرجانی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، سال ۱۳۵۷، صفحات ۷۵-۱ و نسخه الکترونیک در دست تکمیل.
- ۷ - جرجانی، سید اسماعیل، الاغراض الطبیبه والمباحث العلائیه، تصحیح و تحقیق دکتر حسن تاجبخش، انتشارات دانشگاه تهران، مجلد اول و دوم، سال ۱۳۸۴ و نسخه خطی انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- 8) Thomas P. Bleck, Charles E. Ruppercht: Rhabdoviruses In: Mandell, Bennett, Dolin, Principles and Practice of Infectious Diseases, Sixth ed. 2005, pp. 2046-56.
- ۹ - محقق، محمد علی: مقدمه‌ای بر اپیدمیولوژی سرطانها در عزیززی، حاتمی، جانقربانی، اپیدمیولوژی و کنترل بیماریهای شایع در ایران، صفحات ۱۸۷-۱۵۸.